

رابطه مدت حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح بهداشت روانی در نزاجا

سید ابوالقاسم موسوی M.D.، فرشاد نجفی پور M.D.

آدرس مکاتبه: لویزان - معاونت پژوهش و مطالعات راهبردی ستاد نزاجا - تهران - ایران

خلاصه

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین مدت زمان حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح سازگاری یگان‌های نزاجا انجام شده است. در این پژوهش از دو پرسشنامه آزمون سازگاری بل و آزمون شخصیتی آیزنک استفاده شد. جامعه پژوهش کلیه پرسنل نزاجا مستقر در پادگان‌های مناطق مختلف شهر تهران است، از این جامعه ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب گردید. نمونه انتخاب شده شامل پرسنل جبهه رفته و پرسنل جبهه نرفته بودند. نتایج رگرسیون، آزمون t و تحلیل واریانس نشان داد که بین سطح سازگاری و تیپ شخصیتی رابطه وجود ندارد. بعلاوه بررسی تأثیر حضور در جبهه و سطح سازگاری در میان ۳ گروه جبهه نرفته و جبهه رفته مستقر در خط مقدم نشان داد که سازگاری و سطح بهداشت روانی پرسنل جبهه رفته کمتر از پرسنل جبهه نرفته است. **واژه‌های کلیدی:** رابطه، حضور در جبهه، تیپ شخصیتی، سطح بهداشت روانی یگان‌های نزاجا

مقدمه

جنگ را می‌توان یک پدیده شگفت‌انگیز اجتماعی دانست. یکی از رایج‌ترین پیامدهای جنگ عوارض روان‌شناختی است (۳). اثرات جنگ به سه صورت دیده می‌شود: اثرات کوتاه مدت مانند ترس، بی‌خوابی، تهیج‌پذیری و اختلال در حافظه. اثرات دراز مدت را کسانی نشان می‌دهند که در زمان جنگ سازگاری کمتر و مشکلات روانی بیشتر داشته‌اند و سوم اثرات تأخیر یافته، یعنی گاهی علائم فشار روانی مدت‌ها بعد از جنگ به علت مواجه شدن با محرک یادآور تجارب جنگی تشدید می‌گردند (۱،۵). موضوع این پژوهش در رابطه با ارتباط مدت حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح بهداشت روانی پرسنل نزاجا است. بررسی سوابق و پیشینه موضوع نشان داده است که هر قدر سرباز مدت زیادتری را در جبهه گذرانده باشد از میزان سازگاری و بهداشت روانی بعدی او کاسته می‌شود (۴). درباره سازگاری و بهداشت روانی سربازان از جنگ برگشته اعم از سالم یا معلول پژوهش‌های زیادی در کشورهای اروپایی و آمریکا صورت گرفته است. البته حجم پژوهش بی دلیل هم نیست. وقوع جنگ‌های داخلی در آمریکا، جنگ جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام و آمریکا و غیره موجب پرداختن به پیامدهای روانی جنگ‌ها شده است، توجه به پیامدهای روانی جنگ در ایران به واسطه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران صورت گرفت.

علیرغم آشنایی با یافته‌های پژوهشی و نظریه‌های دیگران در این رابطه کار پژوهشی منسجمی در کشور صورت نگرفته است. ارزیابی پژوهش‌های انجام شده از نظر متدولوژیک نشان می‌دهد که تنها پژوهشگران از یک زاویه به

مسئله پرداخته‌اند. اکثر طرح‌های پژوهشی در حد بررسی یک یا دو متغیر بوده و تعامل آنها نادیده گرفته شده است. به عبارتی در بیشتر پژوهش‌ها به گزارش توصیفی یا استفاده از آزمون T و همبستگی بسنده شده است. با توجه به مسایل فوق و متدولوژی یک طرح آماری و پژوهشی پیشرفته شامل رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس چند طرفه برای روابط علت و معلولی استفاده شده است. در این قسمت به بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در این رابطه می‌پردازیم. پژوهش‌هایی که در اینجا بررسی می‌شوند در ارتباط با سربازانی است که از جنگ سالم و یا جانباز بازگشته‌اند یا تجربه اسارت داشته‌اند. در پژوهش ما نیز سه بعد فوق مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشی در مورد تأثیر جنگ بر ویژگی‌های شخصیتی جانبازان با استفاده از آزمون شخصیتی آیزنک بر روی جانبازان قطع نخاعی و غیر قطع نخاعی نشان داد که بین گروه قطع نخاعی و غیر قطع نخاعی از نظر روان‌پیش‌خویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در سایر ابعاد (E و N) تفاوت معنی‌داری بین آنها مشاهده نشد. همچنین در این تحقیق بین جانبازانی که قطع نخاعی بودند اما ورزش می‌کردند و به کار گروهی می‌پرداختند با آنهایی که چنین فعالیت‌هایی انجام نمی‌دادند تفاوت معنی‌داری از نظر شخصیتی بدست آمد. جانبازانی که قطع نخاعی بودند هماهنگی شناختی بیشتری نسبت به غیر قطع نخاعی داشتند. بررسی‌های بیشتر نشان داد که این افراد از یک توجیه درونی مانند جهاد و شهادت در راه خدا و توجهات ملی گرایانه استفاده می‌کنند (۶). پژوهش دیگری نشان داده شد که صفات شخصیتی منجر به تجارب مکرر عوامل استرس زا می‌شود و فرد را حساس می‌کند و سطح روان‌رنجورخویی را بالا برده و عاملی برای بروز اختلالات اضطرابی و PTSD می‌شود (۱۱). بعلاوه در پژوهشی که پنج سال بعد از جنگ فالکلند انجام شد گزارش گردید، که سربازانی که در جنگ حضور داشتند نشانه‌های اختلال

نتایج

نتایج بدست آمده بصورت جدول‌های زیر ارائه شده است. رگرسیون نشان داد که بین سطح سازگاری و تیپ شخصیتی رابطه وجود ندارد اما بین سازگاری و مدت حضور در جبهه همبستگی منفی ($r_{xy} = -0.30$) وجود دارد یعنی هر قدر مدت حضور در جبهه بیشتر باشد میزان سازگاری و بهداشت روانی کمتر است. بررسی تأثیر حضور در جبهه بر سطح سازگاری در میان سه گروه جبهه رفته، جبهه نرفته، و جبهه رفته مستقر در خط مقدم نشان داد که از نظر سازگاری و سطح بهداشت روانی بین این سه گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون توکی نشان داد که بین گروه‌های جبهه نرفته با جبهه رفته مستقر در خط مقدم و گروه‌های جبهه رفته مستقر در خط مقدم با جبهه رفته مستقر در پشت خط تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

تأثیر انواع جراحت جسمانی، روانی و جسمانی-روانی بر سطح سازگاری از طریق تحلیل واریانس یکطرفه با پنج گروه نشان داد که بین انواع جراحت و تأثیر آنها بر سطح بهداشت روانی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. داده‌ها تفاوت میزان سازگاری بین پرسنل جبهه رفته و درون‌گرا و برون‌گرا نشان داد که معنی‌دار نیست. تحلیل بیشتر انواع فرعی سازگاری - فردی، شغلی، جسمانی و اجتماعی نشان داد که بین افراد جبهه رفته و جبهه نرفته از نظر سازگاری فردی، شغلی، جسمانی و اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی سطح سازگاری و بهداشت روانی پرسنل جبهه رفته کمتر از پرسنل جبهه نرفته است.

بحث

با نگاهی به نتایج می‌توان دریافت که اعزام به جبهه، طویل مدت و نزدیکتر بودن به خط مقدم یا حضور در آن هر کدام به تنهایی عوامل مشکل ساز هستند. طبعاً در بروز جنگ نمی‌توان در نیروهای مسلح از عامل اول چشم پوشید و طبیعتاً باید به عامل دوم و سوم پرداخت. در مورد عامل دوم طبعاً می‌توان تمهیداتی پیش‌بینی کرد که طول مدت بطور کلی (در مجموع) یا بطور جزئی (متنوب) برای هر فرد یا هر واحد کاهش یابد و در مورد عامل سوم می‌توان طرحی ریخت تا واحدها و یا افراد بنحوی در طی یک مدت زمان خاص از خط مقدم و خطوط نزدیکتر عقب‌تر بیابند که این موارد تا حدودی در دوران جنگ رعایت شده و کلاً طرح‌هایی هستند که بر اساس وضعیت جنگ و امکانات موجود ریخته می‌شوند. اما آنچه هرگز بدان‌ها پرداخته نشده و ما در اینجا بعنوان پیشنهاد‌های اصلی این تحقیق مطرح می‌کنیم موارد زیر هستند:

الف - برنامه‌های کاهش فشار روانی جنگ

این برنامه‌ها در ارتش‌های پیشرفته جزء روش جاری هستند و هرگز از آنها غفلت نمی‌شود. در این زمینه تحقیقات فراوانی صورت گرفته و دارای کتب مرجع علمی می‌باشد (۷).

طبعاً اگر تنش میدان نبرد حذف شود یا کاهش یابد طبعاً عوارض روانی جنگ نیز مسیر نزولی طی خواهند کرد. این برنامه‌ها معمولاً بر این اساس طراحی می‌شوند.

۱ - معرفی و آشنایی با فشار روحی (استرس)، ۲ - معرفی انواع استرس (هیپوسترس، یواسترس، دیسترس)، ۳ - آشنایی قبلی با استرس‌های خاص جنگ، ۴ - آموزش تکنیک‌های خود درمانی استرس (فردی-جمعی) و ۵ - تطبیق تکنیک‌ها برای اجراء در شرایط جنگی (۸).

PTSD را نشان می‌دهند (۱۲). این مسئله تأثیرات دراز مدت جنگ را نشان می‌دهد. همچنین ارزیابی مجدد بیماران PTSD بعد از ۵ سال مؤید این نکته است که بین طول مدت اسارت و پاره‌ای از نشانه‌های آسیب شناختی روانی همبستگی معنی‌داری وجود دارد (۵) علاوه بر آن پژوهش در مورد آزادگان نشان داد که هر قدر طول مدت اسارت بیشتر باشد نمره افراد در شاخص شکایت جسمانی بیشتر می‌شود (۵). همچنین نتایج تحقیقی درباره اسرای جنگی آمریکایی شواهدی از جدایی از واقعیت، حواس پرتی، فقدان علائق جنسی و ترس از بازگشت به وطن گزارش شد. در این پژوهش معلوم شد آنهایی که دوران طولانی‌تری در اسارت بودند، تغییرات روان‌شناختی جدی‌تری از خود نشان داده‌اند. بعلاوه اختلال اضطراب و افسردگی در میان اسیران جنگی بیشتر از گروه کنترل است. همچنین افراد با سازگاری مناسب نیز از عوارض دراز مدت اقامت در اردوگاه مصون نمانده‌اند و تقریباً در همه آنها علائم برجسته پایداری، چون افسردگی مزمن، اختلال خواب، ترس، کابوس‌های رایج شبانه، گوشه‌گیری، نشخوار فکری، تحریک‌پذیری و واکنش‌های فعال از جا پریدن وجود داشت (۵).

با توجه به نتایج مطالعات گذشته، این مطالعه بمنظور پاسخگویی به سوال‌های زیر انجام شد: رابطه بین مدت حضور در جبهه و تیپ شخصیتی با سطح بهداشت روانی چقدر است؟ آیا بین میزان سازگاری و بهداشت روانی پرسنل جبهه رفته و جبهه نرفته تفاوت وجود دارد؟ آیا مدت حضور در جبهه بر سطح سازگاری تأثیر می‌گذارد؟ آیا تیپ شخصیتی بر سطح سازگاری مؤثر است؟

روش کار

این پژوهش از نوع پژوهش‌های مقایسه‌ای یا پس رویدادی است. در این پژوهش از دو پرسشنامه استفاده شد: آزمون سازگاری بل و آزمون شخصیتی آیزنک. آزمون سازگاری بل، سازگاری را در پنج حیطه شغلی، هیجانی، اجتماعی، خانوادگی و جسمانی می‌سنجند. آزمون شخصیتی آیزنک درون‌گرایی - برون‌گرایی و روان رنجو خوبی را می‌سنجد (۲).

جامعه این پژوهش شامل کلیه یگان‌های نزاجا در شهر تهران است. از بین این جامعه نمونه‌ای به تعداد ۳۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای انتخاب شد ابتدا حجم کل نمونه مورد نیاز با استفاده از فرمول برآورد خام حداقل نمونه مورد نیاز محاسبه شد. در این پژوهش برآورد حداقل نمونه در سطح ۹۵ درصد اطمینان (۱/۹۶) صورت گرفت. برای انتخاب این نمونه ابتدا شهر تهران به چهار منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد. سپس تعداد یگان‌های نزاجا در این مناطق مشخص و به طور تصادفی از فهرست آنها یک یا دو یگان انتخاب شد. تعداد نمونه‌های لازم در هر یک از یگان‌های انتخاب شده تقسیم و در مرحله آخر از فهرست پرسنل یگان‌ها با استفاده از فهرست اسامی و روش نمونه‌گیری سیستماتیک نمونه‌ها انتخاب و پرسشنامه‌ها اجرا شدند. برای بررسی سؤال‌های مطرح در پژوهش از روش‌های آمار توصیفی شامل محاسبه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی، نمودار و روش استنباط آماری شامل آزمون t ، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

References

۱. بوتول، گاستون (۱۳۶۸). جامعه شناسی جنگ (ترجمه هوشنگ خجسته). تهران: علمی و فرهنگی (تاریخ انتشار اثر، زبان اصلی ۱۸۹۹).
۲. شولتز، دوانی، پس، شولتز، سیدنی، آلن. (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. (ترجمه یحیی سید محمدی) تهران: نشر نما (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۸).
۳. صادقی، مجید. (۱۳۷۷). مروری بر درمان دارویی PTSD. گزارش سمپوزیوم عوارض عصبی، روانی ناشی از جنگ. تهران: موسسه چاپ و نشر بنیاد.
۴. صباغ، عبدالمجید. (۱۳۷۷). اختلالات روانی ناشی از جنگ و اسارت. اهواز: روشنفکران.
۵. نور بالا، احمد علی، نریمانی، محمد (۱۳۷۴). روانشناسی اسارت و عوارض روان پزشکی ناشی از آن. تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شاهد.
۶. رضایی، علیرضا (۱۳۷۳). تاثیر جنگ بر ویژگی‌های شخصیتی جانبازان. پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۲، شماره ۳ و ۴، ۶۹-۶۲.
7. ADA (1994). What is Military Psychology USA by APA.
8. BEN PA (1990). Personal Adjustment. by: Wadsworth Inc.
9. Lieblich Amia. (1989). Transition to Adulthood During Military Service. New York by: State University of New York Press.
10. Managelsdorf, GAN (1991). Hand Book of Military Psychology by: John Wiley and Son.
11. Yule W (1999). PTSD: Concepts and Theory. London by: John Wiley.
12. Joseph et al. (1996). Understanding Post Traumatic Stress: A Psychological Perspective on PTSD and Treatment. New York by: John Wiley

در ابتدا افراد با زمینه‌های روان‌شناختی، رفتاری، تظاهرات خلقی استرس و روند ایجاد آنها آشنا می‌گردند. افراد یاد می‌گیرند که استرس در هر حال منفی نیست و دارای استاندارد مطلوب است، پس نباید هر نوع آنرا درمان کرد بلکه باید بتوان در سطح یو استرس (استرس مطلوب) ماند. افراد یاد می‌گیرند که استرس‌های جنگ از بعضی جهات با استرس در موقعیت‌های دیگر مشابه است (روند ایجاد، ریشه شناختی، علائم ظاهری) و از بعضی جهات متفاوت است (نتیجه رفتاری) و این تفاوت‌ها در نتیجه تمایز بحرانی ایجاد می‌کنند. تکنیک‌های خوددرمانی استرس از مهارت‌های مختلف روانی مثل تصویرسازی، تمرکز و امثالهم بهره گرفته به القاء آرامش به شیوه‌های مختلف خاتمه می‌یابد که می‌توان از هیپنوتیزم، مدی‌تیشن، یوگا و ... در اینجا یاد کرد. مسلماً تمامی این شیوه‌ها در تمامی فرهنگ‌ها، تمامی جنگ‌ها و همه موقعیت‌های جنگی قابل اجراء نیستند که برای تطبیق باید تحقیقات میدانی انجام پذیرند (۹). در ابتدای راه می‌توان از تجربیات دیگران سود برد و سپس در این راستا به ساخت الگوهای مناسب با فرهنگ، مذهب و جنگ‌های محتمل آینده پرداخت.

با نگاهی به گذشته می‌بینیم که جای چنین برنامه‌هایی چقدر در جنگ تحمیلی خالی بوده است و ما تقریباً هرگز به این مقوله نپرداخته‌ایم که اگر می‌پرداختیم قطعاً عوارض روانی جنگ در رزمندگان ما بسیار کمتر از این بود که هست.

ب- گنجاندن روانشناسان نظامی در سازمان واحدها

چنانکه از پیشنهاد الف برمیآید تدوین چنین برنامه‌هایی نیاز مند گروه نسبتاً بزرگ و متخصص در روانشناسی نظامی است که در سطح کلان (سیاست‌گذاری و تصویب طرح‌ها) و در سطح خرد (آموزش افراد در واحدها- زیر نظر داشتن شرایط روانی افراد در میدان نبرد) در کل نازا (و کل نیروهای مسلح) به خدمت بپردازند تا امر مهم کاهش استرس میدان نبرد به انجام برسد و از مزایای جنبی وجود این متخصصین از قبیل: مشاوره‌های روانی، روان‌سنجی و ارائه راهکارهای عملی روانی برای پیشبرد وظایف محوله یگان و ... استفاده شود. فعلاً چنین سازمانی وجود ندارد و این مطلب مهم نادیده گرفته شده است. روانشناسی نظامی مقوله بسیار مهمی است که ارتش‌های پیشرفته جهان سال‌هاست به آن می‌پردازند و از آن استفاده بسیار کرده‌اند و اجمالاً می‌توان گفت روانشناسی نظامی در تمام قسمت‌ها و وظایف ارتش از قبیل استخدام، آموزش و عملیات کاربرد مثبت دارد. همچنین با ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده پرسنل توانسته بطور غیر مستقیم در کاهش فشار روانی افراد و عوارض روانی منجر از شغل نظامی‌گری مؤثر باشد.

The relationship between duration of presence in war and personality type with mental health in units of I.R.I Army

Abstract

War is a strange social phenomena that human beings have been faced with it during different periods of history. Wars always have valuable results. One of the fundamental impacts of war is psychological impact. These impacts can be divided into three categories: Short-term impacts such as Insomnia, Depression and stress sensation and long- term impacts that lengthen even 40 years after war. People who have had less compatibility and more psychological problems during war time will show long – term impacts. Thirdly, the delayed impacts that will appear long times after war, because of a stimulus reminding the war memorials.

In this research two questionnaires have been used: Bell compatibility Test and Eysenk Personality Test. The research society was the units of I.R.I Army in different garrisons of Tehran. A sample has been selected from this society using systematic sampling methods. This sample consists of personnel who have been to battle field and who have not. The regression results show that there is no relation between compatibility level and personality type. Secondly the test of assuming the effects of presence in war on compatibility level among three groups (been in war, not been in war and been in front line of war) showed that there is a significant difference between them from compatibility and mental health level points of view.

Totally compatibility and mental health level of personnel been in war is less than personnel who have not been in war.
Key Words: Personality Type, Mental health, Psychological impacts, Bell Compatibility Test, Eysenk Personality Test